

International Conference on The School of Martyr Soleimani  
(ICSMS 2021)

**The sacred affair and the socio-political commemoration of the body;  
Sociological study of the martyr Qassem Soleimani's funeral**

Ahmad Kalateh Sadati\*

**Abstract**

The political body overseeing the sacred, and its glorification, has been most important in the history of the Abrahamic religions based on the concept of "martyr." Modernity took it out of the control of Christianity and reproduced the concept of the political body. In Islam, the concept of martyrdom and its commemoration is one of the most important rituals that has found new dimensions in combination with the modern nationality component. The funeral of General Soleimani is one of the most widely celebrated rituals of the late period and the aim of the present study is to discover and analyze its social meanings and symbolic dimensions. For this purpose, qualitative analysis was performed with 17 people. The result of the research showed that General Soleimani's funeral was formed in the context of social and political interactions in the country, the region and the world, which led to the reproduction of social solidarity in Iran. This funeral rites are constructed in a continuum from metaphysical concepts to political action. According to the results, although the "martyr" pursues a religious action within the framework of some kind of value-rational movement, his funeral includes religious, social, political implications, including protest. The four themes which are pure event and action, social appreciation, identity and rethinking, and symbolic protest were explored in this study. For the researcher, the symbolic aspect of this funeral, which is a kind of protest against the management and governance of the country, is important; because it is related to the social solidarity that was reproduced in this funeral ceremony. The researcher assumes that this protest has not been heard by the bureaucratic system. Based on this assumption, the research ends with an open and very important question: what are the consequences of not seeing or not hearing this protest?

**Keywords:** *political body, sacredness, martyr, symbolic protest, General Soleimani funeral*

\* assistant professor at the Department of Sociology, Yazd Univesrity, Yazd, Iran [asadati@yazd.ac.ir](mailto:asadati@yazd.ac.ir)



## امر مقدس و بزرگداشت اجتماعی-سیاسی بدن؛ مطالعه جامعه شناختی تشییع سردار شهید سلیمانی

احمد کلاته ساداتی<sup>۱</sup>

### چکیده

بدن سیاسی ناظر به امر مقدس، و بزرگداشت آن بیش از همه در تاریخ ادیان ابراهیمی و مفهوم "شهید" مورد توجه بوده است. مدرنیته آن را از کنترل مسیحیت خارج و مفهوم بدن سیاسی را تکثیر کرد. در اسلام نیز مفهوم شهید و بزرگداشت آن از مهمترین مناسک است که در ترکیب با مولفه‌ی "ملت" مدرن ابعاد جدیدی یافته است. تشییع سردار شهید سلیمانی یکی از گسترده‌ترین مناسک بزرگداشت متأخر است. هدف پژوهش حاضر، کشف و واکاوی دلالت‌های اجتماعی و ابعاد نمادین مشارکت گسترده در این مراسم است. روش تحقیق حاضر کیفی است که با مشارکت ۱۷ نفر (مشارکت کننده در مراسم سردار سلیمانی، و صاحب‌نظر در این زمینه) انجام شد. نتیجه تحقیق نشان داد که تشییع سردار سلیمانی در بستری از برهم کنش‌های اجتماعی و سیاسی کشور، منطقه و جهان شکل گرفت که به بازتولید همبستگی اجتماعی انجامید. این مراسم، در پیوستاری از مفاهیم متافیزیکی (اراده و سنت الهی) تا کنش سیاسی برساخت می‌شود. بنابراین، اگر چه "شهید" یک کنش دینی را در چارچوب نوعی حرکت ارزشی-عقلانی خود دنبال می‌کند، اما بزرگداشت وی دربرگیرنده دلالت‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و از جمله اعتراض است. چهار مضمون رخداد ناب و کنش برین، قدردانی اجتماعی، هویت و بازاندیشی، و اعتراض نمادین در این پژوهش احصاء شد. برای محقق، جنبه‌ی نمادین این تشییع، که نوعی اعتراض به مدیریت و حکمرانی کشور است، اهمیت دارد؛ چرا که مرتبط با همبستگی اجتماعی است که در این مراسم بازتولید شد. فرض محقق نشنیده شدن این اعتراض توسط نظام حکمرانی بروکراتیک و فرسوده است. مبتنی بر این فرض، پژوهش با یک سؤال باز و بسیار مهم پایان می‌یابد که پیامدهای دیده و شنیده نشدن این اعتراض چیست؟

کلیدواژه‌ها: بدن سیاسی، امر مقدس، شهید، اعتراض نمادین، سردار سلیمانی



## مقدمه

کشور ایران و جغرافیای سیاسی آن به علت دست یابی به خلیج فارس و دریای عمان، نیروی نظامی قدرتمند و نقوذی که در کشورهای غرب آسیا دارد از اهمیت زیادی برای سیاست خارجی ایالات متحده برخوردار است که با تحریم‌های گسترده‌ای است که علیه این کشور اعمال می‌گردد، مرتبط است. به همین جهت است که کشور ما، از ابتدای جمهوری اسلامی، آماج تحریم‌های ایالات متحده بوده که در چند سال اخیر شدیدترین اشکال آن اعمال شده است. علاوه بر تحریم‌ها، ایجاد گفتمان اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی در شبکه گسترده‌ای از رسانه‌ها و افکار عمومی در سطح جهان و خاورمیانه، از دیگر فشارهایی است که در ابعاد سیاسی و اجتماعی بر کشور وارد می‌شود. "تحریم‌های اقتصادی غالباً ابزاری مهم برای نظم دادن به دشمنان و وادار کردن آن‌ها به امتیازات مهم تلقی شده است. اما تاریخ خلاف این را نشان می‌دهد. مجازات‌های اقتصادی به ندرت باعث می‌شود که دولت‌داری‌های مهم ملی خود را کنار بگذارند. پس از دهه‌ها تلاش تحت اقدامات تنبیهی مالی، ایران همچنان به سیاست‌های قابل اعتراض خود از تروریسم تا گسترش سلاح‌های کشتار جمعی ادامه داده است" (تکیه و ملونی، ۱، ۲۰۱۱: ۱۲۹۷).

تحریم‌های غیرمنصفانه به رهبری ایالات متحده از یک سو و ضعف مدیریت در کشور از سوی دیگر، باعث هدررفت گسترده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در کشور شد. همچنین، فسادهای گسترده اقتصادی، نابرابری، بیکاری و رکود، کشور را به مرز بحران‌های سیاسی و اجتماعی سوق داد. رشد شبکه‌های اجتماعی، به شکل‌گیری مدیریت اعتراضات دردی ماه ۱۳۹۶، مرداد ماه ۱۳۹۷ و آبان ماه ۱۳۹۸ انجامید. در نتیجه نوعی بی‌اعتمادی، کاهش سرمایه اجتماعی و ناامیدی، بر سپهر سیاسی و اجتماعی ایران سایه افکند. شهادت سردار سلیمانی در ۱۳ دیماه ۱۳۹۸، یک اتفاق غیرمنتظره بود که همه‌ی موضوعات را تحت‌الشعاع خود قرار داد.

ترور شهید سلیمانی از ابعاد مختلف قابل بررسی است که در این پژوهش به موضوع مراسم تشییع پرداخته می‌شود. مراسم چند میلیونی تشییع سردار در کشورهای عراق و ایران، یکی از رخداد‌های کم‌نظیر اجتماعی است. چنین مراسم گسترده‌ای، به بازتولید شکل جدیدی از سرمایه اجتماعی و سیاسی در کشور انجامید. مراسم تشییع در واقع بازتجدید حیات انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بود. بزرگداشت شهدا در جوامع دینی، بخصوص ادیان ابراهیمی، همچنان یک موضوع مهم جامعه‌شناختی است. سؤال پژوهش حاضر این است که چه دلالت‌های اجتماعی به شکل‌گیری چنین کنش‌گری گسترده‌ای انجامید؟ ناظر به سؤال، هدف مطالعه حاضر کشف و واکاوی مشارکت گسترده از منظر جامعه‌شناختی است.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱- کنش‌گری دینی

مبانی نظری پژوهش حاضر تحت عنوان کنش‌گری دینی و نیز "شهید" در ادیان ابراهیمی ارائه می‌شود. در موضوع کنش‌گری دینی، یکی از رویکردهای غالب در جامعه‌شناسی، متعلق به ماکس وبر جامعه‌شناس تفسیری است که چهار طبقه‌بندی از کنش‌های انسانی ارائه کرده است: کنش معطوف به هدف، کنش ارزشی-عقلانی، کنش عاطفی و کنش سنتی. کنش ارزشی-عقلانی یکی

از انواع کنش‌هاست، که به لحاظ ارتباط با ارزش‌های خاصی، عقلانی به نظر می‌رسد. چنین کنشی زمانی اتفاق می‌افتد که زمانی که افراد عقلانیت را به کار می‌برند که به معنای ابزارهای رسیدن به اهدافی است که معنای ذهنی دارند. طبق نظر وبر، زمانی که کنش ارزشی-عقلانی به کار گرفته می‌شود، افراد ممکن است اهداف ذهنی خاصی ارتباط برقرار کرده و ابزارهایی را برای رسیدن به این اهداف به دست بگیرند (آرون، ۱۳۸۱).

یکی دیگر از نظریه‌های، نظریه بازار دینی است. استارک و فینک کنش‌های دینی را با رویکردی روان‌شناختی تبیین کرده و آن را مبتنی بر نوعی خودخواهی و در راستای رضایت درونی (خود) تعبیر کرده‌اند و آن را کنش انتخاب عقلانی از دین<sup>۱</sup> نامیده‌اند. آن‌ها کنش‌های دینی را در چارچوب نوعی اقتصاد رفتاری دین تحلیل می‌کنند. به طور مثال، از نظر استارک، گرایش به دین بودیسم به دلیل نزدیکی به معابد بودایی است در مقایسه با فاصله تا کلیسا. متفکران بازار دینی، با نگاه مثبت به دین و تأثیرات روانی آن و در تداوم رویکرد اقتصاد رفتاری و تأثیر آن بر سلامت روان شهروندان می‌نویسند که "از دیرباز بررسی علمی - اجتماعی دین این عقیده را داشت که تفکر دینی "بدوی" است، غیرعقلانی، با علم ناسازگار است و (بنابراین) محکوم به زوال است. با این حال شواهد معاصر نشان می‌دهد که درگیری مذهبی با سلامت روان ارتباط دارد، به هزینه‌ها و فواید درک شده پاسخ می‌دهد (یاناکون، استارک و فینک، ۲۰۰۷: ۳۷۳). رویکردی که از سوی جرولمارک و پورپورا (۲۰۰۴) به عنوان یک دیدگاه شکست خورده نقد شده است، چرا که کنش دینی مبتنی بر معرفت و تجربه‌ی دینی است، نه لزوماً اقتصاد رفتاری. شاروت نیز معتقد است که نظریه بازار دینی مبتنی است بر پیش‌فرض‌های جهانی رفتار اقتصادی انسان که بر اساس ادیان غربی و آمریکایی تعریف می‌شود و ضرورت توجه به ادیان شرقی در این زمینه هست، که در ادیان شرقی راجع به پاداش اخروی و چیزهای فراطبیعی بحث می‌شود (شاروت، ۲۰۰۲: ۴۲۷).

اگر چه کنش‌های دینی قابل تبیین بر اساس نوعی رویکرد اقتصاد رفتاری است، اما این سطح حداقلی موضوع است. این کنش‌ها مطابق نظر وبر عقلانی-ارزشی است. نوعی از کنش که اهدافی ذهنی را دنبال می‌کند، که قابلیت مشاهده ندارد. به طور مثال، بسیاری از اقدامات اینارگرانه‌ی کنشگران دینی در عمیق‌ترین لایه‌های دینی و مبتنی بر تجربیات شهودی شکل می‌گیرد که در نظریه بازار دینی مغفول مانده است. کلاته ساداتی نیز بر این نظر است که نظریه‌های بازار دینی و انتخاب عقلانی با چالش‌هایی چون، ضعف در تبیین سطوح ساختاری و کلان، مسئله تعمیم‌پذیری نظری و تجربی، کم‌توجهی به نقش عواطف و ارزش‌ها و عقاید انسانی، برون‌نگری دینی، این‌همان‌گویی در فرض‌ها و مهم‌تر از همه تبیین نظری و تجربی در بستر سکولاریسم مواجه است (کلاته ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۴۰). اسپیکارد نیز بر این نظر است که نه مدل انتخاب عقلانی و نه مدل بازار دینی قادر به توضیحی دقیق از اعمال مذهبی نیست. این مدل‌ها با یکدیگر می‌توانند ساختار کلی بازار دینی را توضیح دهند، اما نه می‌توانند و نه نیازی دارند که اقدامات ذهنی افراد مذهبی را توضیح دهند. دیر یا زود محدودیت‌های آنها آشکار شده و ارزش خود را از دست خواهند داد

1 . Rational Choice Theory of Religion (RCTR)

2 . Iannaccone, Stark & Finke

3 . Sharot



(اسپیکارد<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۱۱۱).

## ۲-۲- تشیع "شهید" در ادیان ابراهیمی

بدن شهید در ادیان ابراهیمی، ارتباط جدی با مفاهیم مقدس و امر قدسی دارد. یکی از مهمترین کنش‌گری‌های دینی در ادیان ابراهیمی، مراسم و یادبودهایی است که برای شهداء برگزار می‌گردد. معمولاً قهرمان‌های مذهبی و شهداء، مصرف نمادین وسیع در ذهن پیروان دارند. بزرگداشتی که در آن ایده‌ها و افکار متفاوت و متضاد از امور روحانی تا جسمانی را دربرمی‌گیرد. همان‌طور که کلیتون فوردال با مقایسه بین مراسم و مناسکی که انسان‌ها برای مردگان خود می‌گیرند با مراسم شهداء و ارتباط آن با معناسازی روابط و فعالیت‌های اجتماعی می‌نویسد: "در شهادت، یک فرایند بزرگداشت جمعی با تضادهای اجتماعی فداکارانه از یک سو و هتک حرمت (نیروهای معاند یا صاحبان قدرت) از سوی دیگر مواجه هست، و جامعه با مراسم یادبود و بزرگداشت شهید، به سمت یک کالای بهتر و بالاتر سوق داده می‌شود در حالی که به همین نسبت نیز تولیدکننده نیروهای مخالف (در مقابل صاحبان قدرت) می‌باشد" (فوردال<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۱۴).

بنابراین، مراسم و بزرگداشت شهادت، فرایندی است که از منظر جامعه‌شناختی مولد نیروهای اجتماعی بالقوه و نیز بازنمایی آن‌هاست. فوردال با توجه به شکل‌گیری اجتماعی مفهوم شهید در جوامع مسیحی اولیه، مراسم بزرگداشت شهداء را محل تقارن بین فداکاری و فدی‌های شهید از یک سو و خشونت و هتک حرمت حاکمیت روم شاهنشاهی از سوی دیگر می‌بیند. "این ترکیب قرار دادن نقش هویتی مهم، به تصویر کشیدن اختلافات بین جامعه برگزارکننده یادبود مسیحیان و صاحبان قدرت از سوی دیگر است. اما از نظر فرهنگی این موضوع نیز واجد اهمیت است که به مسیحیان اجازه می‌داد، خیر بالاتری را تصور کنند که وضعیت موجود را به چالش می‌کشید. اجرای عدالت موضوع اصلی مناقشه بین نیروهای متمرکز کلیسا از یک سو و دولت از سوی دیگر بود. توانایی کلیسا در تبدیل مرگ به امر شهادت، دربرگیرنده منازعه‌ی موجود بود. این ادعا کلیسا را در مورد قدرت‌های کارزماتیک تقویت می‌کرد که به مسیحیان اجازه می‌داد به کالای عالی دسترسی داشته باشند، در حالی که انتقاد خود از خشونت حاکم را بر اساس سنت ادامه می‌دادند" (همان منبع).

دسوسی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) با محوریت جامعه‌شناسی بدن، به قدرت نمادین بدن می‌پردازند. شهید و بدن وی، شکلی از مصرف نمادین بدن در چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی است. "شهداء، منابع فرهنگی ملموسی هستند زمانی که مردم ممکن است برای تعریف، توضیح یا به هیجان آوردن یک اقدام عملی به یک شی‌نمادین احتیاج داشته باشند" (شادسن<sup>۴</sup> به نقل از دسوسی و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۰۰). بدن شهید، به درک عمومی خاطرات جمعی و اجتماعی پیرامون اشیاء فرهنگی و شیوه‌های فرهنگی کمک می‌کند. مرگ و میراث آن‌ها خواستار اقدام اجتماعی، نظامی‌گری یا هویت ملی‌گرایانه است. بدن شهید، برای به دست آوردن

1 . Spickard  
2 . Fordahl  
3 . DeSoucey et al  
4 . Schudson





جوهر شهادت و درک مرزها، فرصت‌ها و محدودیت‌های آن مهم است. علاوه بر این، پیشقراولان نیکامی از بدن، با استناد به شهادت، به عنوان ابزاری برای حافظه جمعی استفاده می‌کنند (دوسوی و همکاران، ۲۰۰۸: ۱۱۴).

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک مطالعه‌ی کیفی است که در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ انجام شد. میدان تحقیق مشارکت‌کنندگان در تشیع سردار سلیمانی و نیز صاحب‌نظران در این زمینه است. ناظر به سؤال تحقیق تلاش شد که از نظر گروه‌های مختلف اجتماعی که در این زمینه نظر دارند استفاده شود. معیارهای ورود به مطالعه عبارت بود از:

- مشارکت‌کننده در مراسم تشیع سردار سلیمانی در شهرهای ایران
- صاحب‌نظر روان‌شناسی یا جامعه‌شناختی

با معیارهای فوق و ناظر به معیار اشباع در تحقیقات کیفی با ۱۷ نفر مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام گرفت. ده نفر از کسانی بودند که در این مراسم شرکت کرده بودند. علاوه بر این با ۴ جامعه‌شناس که ۳ نفر در تشیع مشارکت داشتند (جزء گروه نخست) و یک روان‌شناس که مشارکتی در تشیع نداشت نیز مصاحبه انجام شد. همچنین از یک کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و یک دانشجوی کارشناسی ارشد افغانستانی در این زمینه سؤال شد. علت استفاده از نظر این دو نفر این بود که همزمان با شهادت سردار، در کشور افغانستان و بخصوص شبکه‌ی فیس بوک، دو گفتمان متعارض مخالف و موافق در موضوع شهادت سردار سلیمانی برجسته شد. یک نفر از مشارکت‌کنندگان دارای هیچ‌گرایش مذهبی نبود بعد از فراخوان موضوع مطالعه در یک گروه اجتماعی اعلام کرد که آماده‌ی مصاحبه است. ایشان صریحاً از اینکه فردی مذهبی نیست یاد می‌کرد، اما تأکید داشت که در مراسم تشیع و مراسم بعد از آن شرکت فعال داشته است. دو سؤال اساسی در این مطالعه از مشارکت‌کنندگان پرسیده شد که:

- درک و تجربه خود و دلایل شرکت خود در این مراسم را برای ما توضیح دهید؟ (در مورد کسانی که در مراسم تشیع بودند)

- به نظر شما علت مشارکت گسترده مردم در تشیع سردار سلیمانی چیست؟

داده‌های روی کاغذ به روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. استخراج گزاره‌های اولیه، مفاهیم، مقوله‌ها و در نهایت مقوله اصلی احصا شد.

جدول ۱: ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق

مشارکت‌کننده	نقش	تخصص	مشارکت‌کننده	نقش	تخصص
۱	تشیع‌کننده در کرمان	بازنشسته	۱۰	غیر تشیع‌کننده	هیات علمی (جامعه‌شناس)
۲-	تشیع‌کننده در کرمان	دانش‌آموز	۱۱	تشیع‌کننده در تهران	هیات علمی (جامعه‌شناس)
۳	تشیع‌کننده در کرمان	دانش‌آموز	۱۲	تشیع‌کننده در	معلم

مشارکت کننده	نقش	تخصص	مشارکت کننده	نقش	تخصص
	تهران				
۴	تشیع کننده در کرمان	کار آزاد	۱۳	تشیع کننده در تهران	نامشخص
۵	تشیع کننده در کرمان	کار آزاد	۱۴	تشیع کننده در کرمان	هیات علمی (جامعه شناس)
۶	تشیع کننده در کرمان	کار آزاد	۱۵	افغانستانی	کارشناس ارشد جامعه شناسی
۷	تشیع کننده در کرمان	دانش آموز	۱۶	افغانستانی	دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی
۸	تشیع کننده در کرمان	هیات علمی	۱۷	تشیع کننده در مشهد	دکترای جامعه شناسی
۹	غیر تشیع کننده	هیات علمی (روان شناس)			

استفاده از روش چک اعضاء و نیز رعایت اخلاق تحقیق و صداقت در مسیر پژوهش و ارائه نتایج نیز در تحقیق مورد توجه محقق بود.

## یافته‌های پژوهش

از نظر بیشتر مشارکت کنندگان، مراسم تشیع به بازسازی معنایی و ایجاد همبستگی اجتماعی در جامعه‌ی ایران انجامید. چنین بازسازی اجتماعی گسترده بیش از همه ذیل جایگاه و نقش شهید سلیمانی و شهادت وی اتفاق افتاد. شهید سلیمانی، شخصیتی ولایت‌مدار، حرفه‌ای (در کار خود)، باهوش و استعداد در شغل و حرفه خود، با نیت خالص، زحمت کشیده برای انقلاب اسلامی و فراجراحی بود. دغدغه اصلی وی خدمت به مردم و ایران بود. مشارکت گسترده در تشیع، یک تجدید پیمان با ساحت‌های کلان نظام یعنی انقلاب و جمهوری اسلامی بود. بنابراین، مهم‌ترین پیامد این تشیع و اشکال نمادین گسترده‌ی آن، تقویت همبستگی ایرانیان و به تبع آن افزایش سرمایه اجتماعی به‌خصوص در رابطه با پیوندهای سیاسی بود. ناظر به سؤال پژوهش، که دلایل چنین حضور گسترده‌ای چیست چهار مضمون احصا شد که در جدول ۲ نشان داده شده است. رخداد ناب و حضور برین، قدردانی اجتماعی، بازسازی هویت، و اعتراض نمادین (جدول شماره ۲).

جدول ۲. مفاهیم، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی دلایل شرکت در مراسم تشیع سردار شهید سلیمانی

مفاهیم	مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی
خواست خداوند	اراده الهی	رخداد ناب و حضور برین
پاداش الهی برای دهه‌ها مجاهدت		
قلب کردن قلب‌ها		
ایجاد وحدت اضداد		
وجدانم راحت می‌شد	ندای وجدان	







برخی مشارکت کنندگان معتقد بودند که خداوند می‌خواست که سردار با چنین شکوهی تشییع شود و لذا چنین شکلی (شاید عالی‌ترین شکل تشییع در آن شرایط) را نصیب وی کرد. رخداد ناب، ضمن آنکه وابستگی زمانی و مکانی دارد، خود را در بدن شهید، بدنمند می‌کند. بدن شهید و شعائر تشییع، مراسمی است برای بزرگداشت آن رخداد ناب. زمانی که رخداد ناب اتفاق می‌افتد، همه‌ی نگرش‌های متکثر و حتی متضاد به وحدت می‌رسند و مبنای وحدت نیز دگرگونی شهودی در وجدان، عواطف و احساسات است. در واقع ارتباط ظریفی بین رخداد ناب و کنش برین وجود دارد.

کنش برین، پاسخی است شناختی-عملی مبتنی بر ندای وجدان و عواطف و احساسات به رخداد ناب؛ به طور مثال احساس همدلی، ناراحتی و اندوه و مشخصاً مشارکت در مراسم. رخداد ناب، اتفاقی است که تلاش دارد تفسیر خاص از یک موضوع در شرایط خاص ایجاد کند و وجدان، عواطف و هیجانات مجموعه‌ای را به تحریک وادارد. شکل‌گیری انبوه خلق در مراسم سردار سلیمانی، مصداقی از فصل مشترک دیدگاه‌ها و نظرگاه‌های مختلف و متضاد بود که در پاسخ به ندای وجدان یا هیجان و عواطف خود، تفسیری واحد و مشترک از آن رخداد ارائه می‌دادند. یکی از مشارکت کنندگان تجربه‌ی خود در متروی تهران را می‌گفت که کاملاً مشخص بوده است که مشارکت کنندگان در مراسم از گروه‌های طبقاتی، اجتماعی و حتی عقیدتی مختلف بودند که به یک وحدت رسیدند که همان مراسم سردار سلیمانی است. پیامد رخداد ناب، حضور برین است.

حضور برین همچنین پاسخی است به ندای وجدان و درون که به صورت ناگهانی فرد را روانه مراسم تشییع می‌کند. واقعیت آن است که بخش اعظمی از بدنه‌ی اجتماعی آشنایی جدی با سردار سلیمانی نداشت. سؤال این است که چه چیزی به شکل‌گیری چنین کنش جمعی انجامید؟ تبیین چنین انبوه خلقی در جامعه در راستای اراده و سنت الهی است. خداوند قلب‌ها را قلب می‌کند و در لحظه‌ای و با خبری به سمت یک کنش اجتماعی سوق می‌دهد. در مراسم سردار طیف وسیعی از افراد از گرایش‌های دینی و سیاسی مختلف حضور داشتند. در لحظه‌ای رخدادی شکل می‌گیرد یک موج عظیم از ندای وجدان، عواطف، احساسات و ادراک شهودی شکل می‌گیرد که چنین جمعی را به وجود می‌آورد. پس در واقع اراده‌ی الهی به شکل‌گیری چنین کنش جمعی انجامیده است. بنابراین، استقبال از تشییع سردار سلیمانی، یک پدیده‌ی منحصر به فرد اجتماعی است که با محاسبات عقل حسابگر معنایی پیدا نمی‌کند. بسیاری از مشارکت کنندگان در پی ارائه‌ی پاسخی دینی و متافیزیکی به این سؤال بودند. از نظر آنها خداوند اراده‌ی الهی است که چنین جمعی از قلوب را گرد آورده است. در واقع سردار، یک معامله‌ی فردی با خداوند داشته مبتنی بر راستی، صداقت و خلوص. اراده و سنت الهی نیز باعث شده که در قلب افراد جامعه جرقه‌ی چنین حضور را شکل دهد. این امر با قواعد عقل حسابگر قابل تبیین نیست. یک امر شهودی است مبتنی بر اراده و سنت الهی. از آنجایی که سردار سلیمانی در تمامی کنش‌های فردی و اجتماعی اش چیزی جز رضایت خداوند را مد نظر نداشته است، خداوند نیز پاسخ چنین خلوصی را با چنین تشییعی می‌دهد. یکی از مهمترین دلایل چنین تشییعی، شیوه‌ی شهادت سردار است. به نظرم اگر سردار در جنگ با داعش یا در اثر سوانح طبیعی یا بیماری از دنیا می‌رفت، هیچ وقت چنین تشییعی برایش برگزار نمی‌شد. کیفیت و شیوه‌ی شهادت نیز تأثیر بسزایی در چنین استقبالی از مراسم داشت (مشارکت کننده ۱۴).

خداوند در لحظه‌ای مقلب القلوب می‌کند، یعنی قلب‌ها را منقلب می‌کند. متروی تهران مصداقی بود از افرادی که نگرش‌های مختلف دارند و به وحدت رسیدند (مشارکت کننده ۱۱).

عزت دست خداست، تشیع جنازه در کربلا، نجف و خاورمیانه، در کشور خودمان مشهد، تهران، قم، چون خودش آدم باخلاصی بود مردم چنین مشارکت داشتند. مردم همه ناامید بودند در شرایط فعلی، اما شهادت حاج قاسم باعث شد که همه مردم بیایند توی صحنه، خون حاج قاسم باعث می‌شود که امید در کشور بیشتر شود. حاج قاسم با خون خودش دوباره کشور را زنده کرد بخصوص در فتنه‌ها و کشور جان دوباره‌ای گرفت (مشارکت کننده ۴).

خیلی از اینها که میان، سردار را نمی‌شناختند، برای چه آمدند، خدا می‌خواست که چنین مراسمی شکل بگیرد (مشارکت کننده ۱).

اولین چیزی که می‌خواهم بگویم، خلوص است و اینکه تو کار خیری کنی و اعلام نکنی. مثل تخمی است که می‌کاری و بعد ثمر می‌دهد. سردار مصداق چنین چیزی است. او چهل سال است در حال مجاهدت و تلاش و کوشش صادقانه، اما چه کسی او را می‌شناخت. او کار خود را انجام داد و خداوند با چنین تشیعی پاسخ کار او را داد (مشارکت کننده ۱۲).

حاج قاسم مردی بود که مادرش او را با ذکر خدا و با وضو او را شیر می‌داد. خودش با وضو بود، نیتش فقط خدایی بود. در همه‌ی کارهای اجتماعی با وضو بود. او شایسته‌ی چنین استقبالی هست. گفتم خدایا کاش هزار بار مثل قاسم سلیمانی بودم و در راه خودت کشته می‌شدم. حاج قاسم مثل اسماعیل خودش را قربانی می‌کرد. او یک مرد آسمانی بود که کار برای رضای خدا و برای مردم می‌کرد (مشارکت کننده ۱).

حاج قاسم، اهل غرور، دنیاطلب و این که برای خودش باشه نبود (مشارکت کننده ۵).

وقتی آدم به شیوه‌ی امام‌ها زندگی کنه، توی دل مردم می‌نشینه. آدم به صورت خودکار راه می‌افته میاد (مشارکت کننده ۶).

## قدردانی اجتماعی

یکی دیگر از تأکیدات مشارکت کنندگان، قدردانی اجتماعی از شهید سلیمانی بود. به این معنا که جامعه کاملاً از رفتار کسانی که به او خدمت می‌کنند آگاه است و آن‌ها را پاس می‌دارد. این قدردانی می‌تواند شامل موضوع مرگ به صورت کلی باشد که در بستر و فرهنگ اسلامی، همه‌ی افراد در تشییع درگذشتگان شرکت می‌کنند و یک موضوع اسلامی است. معمولاً بعد از هر درگذشتی بستگان، دوستان و کسانی که وی را می‌شناسند در مراسم وی شرکت می‌کنند. این بدان معناست که زندگی و حیات انسان با مرگ به پایان نمی‌رسد و همه‌ی جوامع در طول تاریخ، کنش‌های رفتاری بخصوص در موضوع مراسم تشییع را تعریف کرده تا نشان دهند که نه تنها زندگی بلکه مرگ هم اساساً یک امر اجتماعی است. این یک موضوع عمومی در مراسم سوگ و تشییع است.



اما راجع به مراسم سردار سلیمانی، جامعه تلاش داشت قدردانی مضاعفی انجام دهد. در واقع، این مراسم، پاسداشت کسی است که عمری در این حیات زندگی کرده و اکنون از این جهان رخت بربرسته است. این موضوع همچنین یک بعد اخلاقی است به جایگاه فرد که روزی در این حیات زندگی کرده است. اما در مورد سردار، قدردانی شکل خاصی داشت و چنین تشیعی پاسداشت و قدردانی اجتماعی از زحمات چند دهه‌ی وی در کشور بوده است. مشارکت کنندگان تاکید داشتند که سردار زحمات زیادی کشیده و آسایش یکی عمر خود را وقف جامعه کرده است. مشارکت کنندگان تاکید می‌داشتند که ما برای پاسداشت فردی آمده‌ایم که یک عمر برای ما راحتی آورده است. بخشی از مشاهدات مشارکتی محقق در شهر کرمان نشان می‌داد که بیشتر مردم از شهرها و استان‌های دیگر آمده‌اند و بیشتر آن‌ها با بسیاری موانع و سختی‌ها و مشکلات خود را به کرمان رسانده بودند. برخی از مشارکت کنندگان از اینکه با چه سختی خود را به کرمان رسانده بودند سخن می‌گفتند. یکی از مشارکت کنندگان با وجود سردرد میگرن به کرمان مراجعه کرده بود که در بازگشت با مشکلات خیلی زیادی مواجه شده بود. این موضوع نشان می‌داد که بیشتر مشارکت کنندگان با اخلاص تمام و به منظور نوعی قدردانی از فعالیت‌های سردار در این مراسم مشارکت داشتند. چند مشارکت کننده که از شهرهای دور به کرمان آمده بودند در شرایط سختی خود را به کرمان رسانده بودند و معتقد بودند در مقابل زحمات سردار، این حداقل کاری بود که انجام داده‌ایم.

من نمی‌دانید به چه سختی خودم را به کرمان رساندم، هیچ کس نبود دخترم را نگه دارد، مجبور شدم با خود و با سختی زیادی به کرمان برسانم (مشارکت کننده ۸)

زمانی که ما خواب بودیم، حاج قاسم از جانش گذشت، من از کازرون با بی خوابی زیاد آمدم، ارزشش داره (مشارکت کننده ۷).

مهم‌ترین ویژگی حاج قاسم این است که بین مردم بود، در سیل اهواز، مازندران، و جاهای دیگه، اول خودش اومد، برای همین مردم خیلی دوشش دارند، مسئولین هم اگر بیان توی صحنه، مردم امیدوار بودند (مشارکت کننده ۵).  
من و این سه تا دوستم از کازرون اومدیم. خیلی خسته بودیم. دیشب فکر می‌کردم بیایم یا نه. گفتم زمانی که من در راحتی و آسایش بودم، سردار از خواب و راحتی خود برای من زد، این حداقل کاری است که ما کردیم و آمدیم (مشارکت کننده ۶).

سوم اینکه من فکر می‌کنم اکثر مردم یک نوع برداشت از خدمات اجتماعی از سوی سردار سلیمانی دارند. فکر می‌کردند که در گذشته خدمت می‌کرده و در طول عمرش با مردم بوده و نیت صادق هم داشته، نه به عنوان یک آدم سیاستمدار بلکه به عنوان یک خادم (مشارکت کننده ۱۵)

من یک روز رفتم کربلا، دیدم آقای قالیباف مشغول است و به زوار خدمت رسانی می‌کند. یکی گفت، حاجی چقدر زحمت می‌کشی. گفت، همه‌ی اینا به خاطر سردار سلیمانی است. او الان دارد جلوی سفارت آمریکا قدم می‌زند تا ما در اینجا کارمان را بکنیم. بله این همه امنیت به خاطر سردار بود (مشارکت کننده ۱۲).

سردار سلیمانی در اینجا به عنوان یک سرمایه اجتماعی مطرح است و جامعه می‌بیند که یک سرمایه‌ی بزرگی را از دست می‌دهد و این باعث می‌شود که تشیع جنازه با تفاوت دیگری انجام گیرد و رنگ و بوی دیگری بگیرد و اینجا باعث می‌شود که اون همبستگی در بین توده‌ی مردم به وجود بیاید. کسی که نماد معرف این جامعه بود که در مقابل دیگری. این باعث می‌شه که این موضوع برجسته‌تر شود (مشارکت کننده ۱۶).

### هویت یابی و بازاندیشی

یکی دیگر از دلایل مشارکت، هویت یابی و بازاندیشی است. هویت یابی به این معنا که من کیستم و در گستره‌ی خاکی، متعلق به کدام سرزمین و یا خاک و یا در سطحی بالاتر متعلق به کدام جهان بینی هستم، و چه مسئولیت‌های اجتماعی یا ملی دارم. بازاندیشی به این معناست که در نسبت بین هویت مذکور و امر واقع، من در کجا قرار گرفته‌ام و بایستی به کجا برسم و شرکت من در این تشیع چه معنایی برای من و جهان پیرامون من دارد. این امور در سه ساحت انسانی، مذهبی و ملی دنبال می‌شود. مشارکت کنندگان در سطح انسانی بر درکی پدیداری از این که من کیستم تمرکز داشتند. من کیستم می‌توانست یک سؤال با دیدگاه مذهبی باشد یا حتی رویکرد انسانی. درک مشارکت کنندگان این بود که در نگاه انسانی، من کیستم، پاسخ به موضوعی است که صداقت و خلوص یک انسان را نشان می‌دهد. سردار سلیمانی از این منظر یک انسان به ما هو انسان بود، بدون ذره‌ای دورویی و دروغ، همان که بود از خود نشان داد و چیزی غیر آن نبود. در سطح فردی، هویت یابی مذکور، همراه با نوعی بازاندیشی در خویشتن است و چنین بازاندیشی از طریق مشارکت در تشیع انسان‌های بزرگ ممکن است. مشارکت در تشیع یک مرور و ارزیابی شناختی از خود است که در نسبت بین مسلمانی و مسئولیت‌های مترتب بر آن و من به عنوان یک مسلمان، من در کجای معادله قرار دارم. مراسم تشیع سردار، معیاری و یا به عبارتی دقیق‌تر تلنگری است بر فاصله گرفتن از این معادله و معیار. فرد می‌خواهد در خود غور کند تا ببیند که فردی بزرگ مثل سردار چگونه زیست و او چگونه می‌تواند خود را اندکی به این چگونه زیستن نزدیک کند. در نهایت اینکه، سردار یک کنشگر ملی، منطقه‌ای و جهانی بود که عملکرد وی در همه‌ی این سطوح تاثیرگذار بود. بنابراین، هویت یابی در این مراسم، نوعی هویت یابی متأثر از شرایط جهانی شدن و دوران پسااستعمار است. سردار کسی بود که معنای ایران و ایرانی را زنده کرد و نشان داد که دشمنان ایران در مقابل اراده‌ی ملت مقهور هستند. این برای نخستین بار است که یک ایرانی در بخش اعظمی از خاورمیانه نفوذ دارد و تاثیرگذاری می‌کند. البته این موضوع به منطقه مربوط نمی‌شد و سردار بر قواعد جهانی و بخصوص قواعد استعماری و جهان پسااستعمار نیز تاثیرگذار بود. او کسی بود که اراده‌ی کشورهای استعمارگر مبنی بر تسلط بر خاورمیانه و بخصوص ایران را ناکام گذاشت و به کشورهای منطقه نشان داد که یک سرباز ایرانی تا چه اندازه می‌تواند اقتدار و نفوذ داشته باشد. ایده‌های سردار مبنی بر ایجاد گروه‌های نظامی منطقه‌ای و شیوه‌ی نبردهای نامنظم وی، نقشی که وی در عراق و سوریه داشت و بخصوص موضوع نجات اربیل از هجوم داعش از موضوعات تکرار شونده در نظر مشارکت کنندگان بود. بر این اساس می‌توان گفت که سردار اگر چه یک سرباز ایرانی بود اما در سطح منطقه‌ای و جهانی اثرگذار بود که این امر به هویت سازی جدیدی از ایران و ایرانی می‌انجامید. بنابراین، حتی نگرش غیر مذهبی نیز با شکل‌گیری دوباره هویت راجع به من کیستم از





حیث تعلق به ملیت خاص ارتباط برقرار می‌کند. از این جهت، بازیابی نوعی هویت ملی در سطح فردی بر ساخت می‌شود که به دامنه‌ی اجتماعی نیز بسط می‌یابد. چنین هویت یابی البته در شرایطی از بستر جهانی شدن و دوران پسااستعمار تعریف می‌شد. عملکرد سردار در خاورمیانه از منظر بعضی مشارکت کنندگان، بازیابی هویت بود که ما آنرا بازیابی هویت در شرایط جهانی شدن می‌نامیم. چنین هویت یابی البته در شرایطی از بستر جهانی شدن و دوران پسااستعمار تعریف می‌شد. عملکرد سردار در خاورمیانه از منظر بعضی مشارکت کنندگان، بازیابی هویت بود که ما آنرا بازیابی هویت در شرایط جهانی شدن می‌نامیم.

من تصور می‌کنم که سردار یک انسان به معنای واقعی بود. در جامعه‌ی ما که متأسفانه دورویی و دروغ یک امر طبیعی شده، سردار کسی بود که نماد و الگوی بازگشت به هویت اصیل انسانی، یعنی صداقت و راستگویی بود. مشارکت کنندگان تلاش داشتند، با سردار هویت یک انسان به ما هو انسان را بازیابند (مشارکت کننده ۹).

منظور این است که این واقعه مرا از روزمرگی‌های این زندگی بیرون آورد و کمی به خود آدمم که به عنوان یک فرد مذهبی کیستم و در کجا قرار دارم (مشارکت کننده ۱۷).

من آدم مذهبی نیستم، اما به عنوان یک "ایرانی" افتخار می‌کنم. به بچه‌ام می‌گویم، رستمی که در شاهنامه خوانده‌ای نمرده، هر دوره‌ای یک رستم دارد. رستم زمان من، سردار سلیمانی است (مشارکت کننده ۱۳).

سردار سلیمانی، ایرانی‌ها کمتر او را می‌شناختند، ما از طریق آمریکا و بعدها دیدیم که چه نقش مهمی در خاورمیانه داشته است. سردار، در عراق، سوریه، لبنان، یمن، همه جا بود. باعث افتخار ما بود. کسانی که می‌خواستند ایران را ذلیل کنند، سردار جلو آنها ایستاد (مشارکت کننده ۱۰).

من شرکت کردم که به کشورهایی که مثل آمریکا می‌خوان بگن مردم از نظام ناامید شدن، بگیریم که نه پای صحنه هستیم (مشارکت کننده ۲)

من شرکت کردم که اعتراضی به این مدرنیته‌ی وحشی داشته باشم (مشارکت کننده ۱۱).  
مردم ایران تجربه تلخی از جنگ عراق دارند. آن‌ها هر شهیدی که می‌دهند بیک نوع یادآوری تاریخی برای آنها رقم می‌زند و تاریخ دوباره برای آن‌ها زنده می‌شود و به یاد شهدای گذشته‌شان می‌افتند که در چه وضعیتی بودند و در چه وضعیتی زندگی می‌کردند (مشارکت کننده ۱۵).

سردار ایران را زنده کرد، من آدم مذهبی نیستم، و کاری هم به دلایل مذهبی ندارم، اما به پسر می‌گویم، رستم در شاهنامه است، اما هر دوره‌ای به رستمی دارد، سردار سلیمانی، ایران را زنده کرد، ایران باستان و قدرت باستانی ایران را زنده کرد، عراق، سوریه، لبنان، یمن، مثل دوران کوروش (مشارکت کننده ۱۳).

### اعتراض نمادین

حضور مردم به معنای ایجاد تمایز بین انقلاب اسلامی و به طور خاص جمهوری اسلامی در معنای اثباتی، و همزمان نارضایتی و خستگی از جمهوری اسلامی به معنای متحقق کلمه بود. مردم با حضور خود می‌خواستند نقد خود را بر اشکال مدیریتی موجود





و متحقق و ضمن پاسداشت الگوی مدیریتی خاص (الگوی سردار سلیمانی) نشان دهند. بسیاری از مشارکت کنندگان وجود نوعی اعتراض در چنین مشارکت گسترده‌ای را مطرح می‌کردند. چنین اعتراضی نسبت به شاکله‌ی کلی نظام یعنی جمهوری اسلامی نبود، بلکه نسبت به سامانه‌های حکمرانی است که با آرمان‌های انقلاب اسلامی فاصله دارد اعتراض دارند. در واقع مشارکت در این تشیع، ارائه‌ی خواسته‌ای نمادین به مسئولین است که از معیارهای انقلاب اسلامی فاصله بسیار گرفته‌اند. این اعتراض در سه قالب قابل تعریف است. اول اینکه، انقلاب اسلامی با جایگزینی نام "مسئول" به جای مدیر و رئیس، افرادی را که در رأس امور قرار گرفته‌اند، به عنوان کسانی که بایستی توسط خلق الله مورد سؤال واقع شوند، تعریف کرد. اما به مرور زمان، مسئول، نه تنها به عنوان رئیس، بلکه به عنوان کسی که هیچ پاسخگویی نسبت به امور و شهروندان ندارد، تعریف شد. روابط از الگوی مسئولیت به سمت ریاست سوق داده شد. شاهد این مدعا رفتار بخشی از مسئولین در سطوح مختلف حاکمیتی بوده است. البته در این میان انسان‌های گمنامی هستند که فارغ از قدرت و ثروت در خدمت خداوند و خلق خدا بوده‌اند. شهید سلیمانی یکی از این افراد است. شهید سلیمانی با عملکرد خود پارادایم رایج را تغییر داد و نشان داد که می‌تواند چنین نباشد و این ممکن است که الگوهای مورد انتظار را تحقق بخشید. تشیع شهید در اینجا مصداقی از اعتراض علیه حکمرانی با ویژگی‌های مذکور است که نه تنها با حکمرانی اسلامی که حتی با حکمرانی‌های مرسوم و سکولار فاصله‌های زیادی دارد. در پاسخ به اینکه جنبه‌ی ایجابی چنین اعتراضی چیست، نوعی حرفه‌ای‌گرایی در رفتار سردار از مهمترین تاکیدات مشارکت کنندگان بود. سردار، یک فرد متخصص در امور خود بود و هیچ وقت دنبال بهره برداری از موقعیت و جایگاه و نفوذ خود برای گروه یا فرد خاصی نبود. او یک حرفه‌ای به معنای دقیق کلمه است. کار خود را خوب بلد است و در راستای کار و وظیفه خود خدمت به خلق را نیز مبنای رفتارش قرار داده است. از پیوستن به این حزب و دیگر گروه احتراز می‌کند، ضمن اینکه به عنوان یک شهروند ایرانی، حتماً سلیقه‌ی سیاسی خاص خود را داشته است. اما هیچ وقت تلاش نکرده تا اهداف و آرمانهایش را قربانی منافع و اهداف حزبی کند.

مردم با حضورشان، نقد خود را بر جمهوری اسلامی به معنای موجود و از سویی پاسداشت و بزرگداشتی بود از جمهوری اسلامی به معنای اثباتی و آرمانی کلمه بود. علیرغم اینکه افرادی می‌خواهند مصادره به مطلوب کنند، که درست نیست. چرا ما این را می‌گوییم؟ چون آقای سلیمانی چه بخواهیم چه نخواهیم، با هر قرائتی که بخواهیم، ذیل نام جمهوری اسلامی قابل تعریف است. لذا، حضور مردم حمل بر تأیید مسئولین نیست، ضمن اینکه پاسداشتی است از جمهوری اسلامی در معنای مورد انتظار خود (مشارکت کننده ۱۱).

یه چیزی که از روز اول دیدم، ایشون میز کار نداشت. ایشون میز تعطیل بود. او حتی یک میز برای امضا کردن نداشت. امضاهاش همه در حال رفتن بود (مشارکت کننده ۳).

مردم ایران می‌خواستند بگویند که کاری به فسادها ندارند، و آنها برای سردار خود جدا از فسادها احترام قائل هستند. دیدگاه مردم در رابطه با دولت فرق می‌کند، چنانچه با مردم ایران در ارتباط بودم. فکر می‌کنم که مردم شهدا را از دولت و دولتمردانی که به اصطلاح خود مردم دستشان در فساد هست، جدا می‌دانند. مردم فکر می‌کنند که اینها اگر صادق نبودند، شهید نمی‌شدند (مشارکت کننده ۱۵).





همان طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، تشیع سردار مبتنی بر بستری از مفاهیم متافیزیکی از مفهوم شهادت شکل می‌گیرد. این مفاهیم متافیزیکی در ابتدا به ساکن به اراده‌ی الهی در شکل‌گیری یک رخداد ناب مربوط است. کیفیت و شرایط اجتماعی شهادت سردار، مهمترین دلیل بر ناب بودگی رخداد است. دستور شخص رییس جمهور ایالات متحده، مهمان بودن در کشور همسایه، و نیز شیوه‌ی شهادت به صورت ناجوانمردانه از مهمترین خاص بودگی این نوع شهادت بود که آن را به شکل اجتماعی ناب بر ساخت کرد. این رخداد، معنای خود را در بدنمندی امر مقدس یعنی مفهوم شهادت، تغلیظ نمود. بدین معنا که خاص بودگی و ناب بودگی رخداد در مفهوم سنتی در اسلام یعنی شهادت، ترکیب و امر مقدس بدنمند را غنا و غلظت بخشید. چنین شرایطی به شکل‌گیری نوعی کنش برین انجامید که وجدان، عواطف و هیجانات جمعی که امور خود را مرتبط با سردار می‌دیدند، را تهییج نمود. تا این بخش بعد متافیزیکی موضوع است. کنش برین، به تفسیر و بازتفسیر مجدد رخداد ناب از یک سو و وضعیت خود در زیست جهانی که در آن زندگی می‌کند می‌انجامد. این تفسیرها، خود به بازتولید مفاهیمی چون تفسیر مقدس از بدن یعنی شهید که در مورد سردار شکل‌گرفته‌ی آن به وجود آمد انجامید. علاوه بر این، تفسیر اجتماعی بدن، بدین معنا که ما در قبال چنین بدنی چه مسئولیت‌های اجتماعی داریم؛ شکلی از قدردانی اجتماعی. علاوه بر این، نوعی تفسیر سیاسی از بدن در مورد سردار انجام گرفت. در این تفسیر سیاسی، کنشگران به مقایسه رفتار و کنشگری سردار به عنوان شکل ناب مدیریت در چند دهه انقلاب اسلامی با وضع موجود و مدیریت‌ها در سایر بخش‌های نظام اجتماعی و سیاسی می‌پردازند. این امر، بعد سیاسی تشیع را تقویت می‌کند و تشیع را به شکلی از اعتراض نمادین تبدیل می‌کند. نکته مهم این است که تشیع نوعی بازیابی هویت نیز تلقی می‌شود. در شرایطی از کالایی شدن جامعه و قرار گرفتن در روند جهانی شدن، تشیع تلاشی است برای هویت‌سازی فردی در سطح هستی‌شناختی، و نیز اجتماعی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی. تشیع کنندگان تلاش داشتند با این کنش جمعی نوعی اعتراض به نظم بین‌الملل مدرن و در عین حال وحشی نیز داشتند. آن‌ها به مراسم تشیع و پاسداشت کسی آمده بودند که از هویت "ایرانی" آن‌ها در این مدرنیته وحشی دفاع کرده بود و جان خود را در این جهت داده بود. خروجی چنین وضعیتی نوعی همبستگی اجتماعی "ایرانی" در این شرایط است.

رخداد ناب و کنش برین، که اشاره دارد به شکل‌گیری نوعی فهم جمعی از یک اتفاق و رخداد اجتماعی. هنوز جامعه‌شناسی نمی‌تواند تحلیل بر شکل‌گیری چنین فهم جمعی داشته باشد، اما از منظر محقق، چنین فهم جمعی را می‌توان در چارچوب اراده و سنت الهی تبیین کرد. یک رخداد می‌تواند در شرایطی خاص به مفهوم‌سازی جدید شناختی بینجامد که به ساحت‌هایی چون وجدان، عواطف یا هیجانات مرتبط است. چنین فهم شناختی می‌تواند یک جمع وجدان را به تحت تاثیر قرار دهد یا اینکه مجموعه‌ای عواطف و هیجانات را تهییج کند. در این زمینه، شکل شهادت سردار می‌تواند یک بستر مناسب برای شکل‌گیری چنین امری شود. طبیعی بود که شهادت سردار اگر در هر بستر متفاوت اتفاق می‌افتاد یا اگر به صورت طبیعی از دنیا می‌رفت، امکان شکل‌گیری چنین انبوه خلقی غیرممکن بود. بنابراین، سنت الهی، در چینه‌ش وقایع اجتماعی و تاریخی، چنین عمل می‌کند که در قالب یک رخداد استعاره‌ی ناب ظهور و بروز می‌یابد. رخداد استعاره‌ی ناب، به معنای اتفاقی است که در بسترهای اجتماعی، فرهنگی و



تاریخی شکل می‌گیرد و در آن بستر به شکل گیری شبکه ای شناختی از جمع وجدان‌ها، عواطف و هیجانات می‌انجامد. این امر در واقع همان قلب کردن قلوب است که در فرهنگ اسلامی مورد توجه و بحث می‌باشد.

از سوی دیگر، مفهوم شهادت در کشور نسبت به دوران جنگ، معانی متفاوتی یافته است. تحقیق حاضر نشان داد که شهادت سردار، ضمن آن که خونی تازه در رگ‌های انقلاب جاری کرد، مراسمی بود برای نوعی اعتراض نمادین سیاسی-اجتماعی. اعتراضی که یک معنای سلبی و یک معنای ایجابی داشت. معنای سلبی آن رد بسیاری از قواعد و قراردادهای موجود در ساحت حکمرانی. معنای ایجابی آن نیز شکل‌گیری مدیریتی بر اساس الگوی مدیریتی سردار شهید. همان‌طور که فوردا (۲۰۱۸) عنوان می‌کند، شهادت در مسیحیت ابتدایی، ضمن آنکه بزرگداشتی بود از یک کالای باارزش (شهید) هتک حرمت قدرت و حاکمیت موجود و زیر سوال بردن رویه‌ها و روال‌های حاکم بر آن بود. در اینجا نیز نوعی اعتراض پنهان و آشکار از طریق مراسم تشییع شکل گرفت که مدیران کشور را بخصوص مدیرانی که بازماندگان دوران جنگ هستند به چالش کشیده شوند.

فوردا در بحث خود راجع به تغییراتی که در طول تاریخ نسبت به مفهوم شهادت شکل گرفته به موضوع مدرنیته ورود می‌کند که دو جسد از حضرت مسیح (ع) معرفی می‌کند. حاکمیت مدرن نیز برای خود مفاهیم جدیدی از قدرت را به وجود آورده است (فوردا، ۲۰۱۸: ۱۱). فوردا در تحقیق خود نشان داده است که به طور مثال بدن لیبرال به عنوان یک رقیب در مقابل بدن مقدس شهید قرار دارد.

اما به نظر می‌رسد در جهان اسلام ترکیبی خاص و منحصر به فرد از مفهوم ملیت (به عنوان یک مفهوم مدرن) و شهادت (به عنوان یک مفهوم مقدس) تداوم دارد. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که به جز اقدامات تروریستی در جهان اسلام، سایر اقدامات ضداستعماری در طی بیش از نیم قرن اخیر، ارتباط تنگاتنگی بین مفهوم ملیت از یک سو و مفهوم مقدس شهید از سوی دیگر را شکل داده است. جنبش‌های ضداستعماری در جهان اسلام، ترکیب متوازی از مفاهیم ملیت و شهادت به دست داده است. به بیان در تحقیق خود در مورد مفهوم شهید و کارکردهای اجتماعی آن در ترکیه نشان داد که چنین ارتباطی در حال شکل‌گیری است و در حال بسط مفهومی به گروه‌های دیگر چون مثال افسران پلیس، معلمان، پزشکان و پرستارانی که در حین خدمت کشته می‌شوند، می‌باشد (بهیان، ۲۰۱۱). لذا، در جهان اسلام، ارتباط تنگاتنگی بین مفهوم مقدس شهید از یک سو و مفاهیم ملی از سوی دیگر به وجود آمده است و شهید میدانی برای شکل‌گیری همبستگی اجتماعی به وجود می‌آورد. با وجود این، به نظر می‌رسد که شهید در معنای کسی که در مرزهای ملی و عقیدتی به شهادت می‌رسد، همچنان جایگاه متفاوتی دارد. در این زمینه نیازمند تحقیقات بیشتری است.

در رابطه با مضمون چهارم یعنی اعتراض نمادین، نکته مهم این است که از نظر محقق جامعه و به طور خاص بخش حکمرانی کشور، نیازمند نگاه عمیقی به مراسم سردار سلیمانی است. اگر چه اشاره شد که چنین حضوری یک بله به نظام جمهوری اسلامی (در معنای حکومت) و اعتراض به جمهوری اسلامی (در معنای حکمرانی) بود، اما چنین صدایی در بطن حکمرانی (به معنای سامانه های اداری) دیده و شنیده نشد. سوال اساسی این است که تاثیر مراسم سردار بر روندهای جاری و سیاسی و اجتماعی کشور تا چه



اندازه بوده است؟ تا چه اندازه ما می‌توانیم حکمرانی خود را اصلاح کنیم، یا این مراسم تا چه اندازه در دیدگاه و عملکرد حکمرانی‌ها در سطوح مختلف تاثیرگذار بوده است؟ این‌ها سوالات اساسی و تاثیرگذاری است که نیازمند پژوهش و نظریه‌پردازی است. آلن<sup>۱</sup> در نگاه نقادانه خود نسبت مراسم تشییع شهدا در فلسطین چنین نتیجه می‌گیرد. "سوال این است که تاثیر مراسم یادبود شهدا در فلسطین چیست؟ چه کسی این نمادها را کنترل می‌کند؟ و چه قدرت‌هایی متزلزل می‌شوند؟ من پاسخ می‌دهم هیچ کس" (آلن، ۲۰۰۶: ۱۲۹). با توجه به این که به نظر می‌رسد حکمرانی‌ها نیز طرفی از این مراسم نبسته است، پژوهش با یک سوال باز پایان می‌یابد که پیامدهای دیده نشدن و شنیده نشدن این اعتراض چیست؟

## ب. پیشنهاد

به نظر می‌رسد که حیات سیاسی و حکمرانی‌ها از "اعتراض نمادین" در تشییع سردار بهره‌ای نبرده است. محقق برای نظر است که این یک آسیب جدی سیاسی و اجتماعی است. اصلاح حکمرانی فرتوت و خسته اولین ضرورت نظام اجتماعی ماست. جامعه کارخانه مولد جریان‌ها همبستگی‌ساز برای همیشه نیست. عدم اصلاح سامانه حکمرانی کشور می‌تواند به بی‌سازمانی جدی بینجامد. انجام مطالعات پژوهشی از منظر افراد دیگر و نیز سایر ادیان و گروه‌های اجتماعی که به این مراسم توجه داشتند یا در آن مشارکت داشتند، پیشنهاد می‌گردد. انجام مطالعات کمی بر پایه مقوله‌های احصاء شده در این پژوهش پیشنهاد می‌گردد.

## تشکر و قدردانی

ضمن تشکر از مشارکت کنندگان در تحقیق، از آقای دکتر ابراهیم اخلاصی که در این تحقیق کمک شایانی کردند، قدردانی ویژه دارم.

## منابع

- کلاته ساداتی، احمد. (۱۳۹۳). رویکرد انتقادی به نظریه‌های انتخاب عقلانی و بازار دینی و نسبت اسلام با آن‌ها. فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی. شماره ۳۹: ۱۴۰-۱۲۱.
- Allen, L. A. (2006). The polyvalent politics of martyr commemorations in the Palestinian Intifada. *History & Memory*, 18(2), 107-138.
- Bahyan, Z. (2011). *Understanding Martyr Funerals in Turkey*. ECPR General Conference University of Iceland, Reykjavik. Available on: <https://ecpr.eu/Events/Event/PaperDetails/9661>
- DeSoucey, M., et al. (2008). Memory and sacrifice: An embodied theory of martyrdom. *Cultural Sociology*, 2(1), 99-121.
- Fordahl, C. (2018). Sovereignty and Martyrdom: A Sociological Sketch. *Journal of Historical Sociology*, 31(3), 297-313.

<sup>1</sup> . Allen





- Jerolmack, C., & Porpora, D. (2004). Religion, rationality, and experience: A response to the new rational choice theory of religion. *Sociological Theory*, 22(1), 140-160.
- Islam, IE. (2019). US Impose Sanction on Iran: Analysis the Aftermath. Available from:
- [https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/61351444/US\\_Imposed\\_Sanction\\_On\\_Iran\\_Analysing\\_The\\_Aftermaths20191127-503-11dy594.pdf?1574841655=&response-](https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/61351444/US_Imposed_Sanction_On_Iran_Analysing_The_Aftermaths20191127-503-11dy594.pdf?1574841655=&response-)
- Iannaccone, L., Stark, R., & Finke, R. (1998). Rationality and the “religious mind”. *Economic Inquiry*, 36(3), 373-389.
- Sharot, S. (2002). Beyond Christianity: a critique of the rational choice theory of religion from a Weberian and comparative religions perspective. *Sociology of Religion*, 63(4), 427-454.
- Spickard, J. V. (1998). Rethinking religious social action: What is “rational” about rational-choice theory?. *Sociology of Religion*, 59(2), 99-115.
- Takeyh, R., & Maloney, S. (2011). The self-limiting success of Iran sanctions. *International Affairs*, 87(6), 1297-1312.

